

## نام او از روزگار برتر شد



جواد مجابی  
نویسنده، شاعر و پژوهشگر

هنرمندی محبوب دل‌های مردم می‌شود که سرگذشت پنهان و آشکار او با سرنوشت ملتش همسو و هماهنگ باشد.

شجریان عشق به مردم را در جوانی از تاریخ آنها و دلبستگی‌های فرهنگی‌شان آموخت، با نگاهی آگاهانه به درازنای حیات شعر و موسیقی ایران دریافت که این میراث معنوی باید از گزند روزگار مصون بماند، از سینه تاریخ فراموشکار، به ذهن اکنونیان سپرده شود. نخست به شیوه حافظ و فردوسی، کوشید تا بهترین دستاوردهای هنری پیشینیان را بشناسد، راز و رمزهای هنر استادان کهن را با بازخوانی آثارشان دریابد و جانمایه آن گنجینه را از آن خود کند و به حافظه امروزیان و فرداییان بسپارد، دیگر آنکه با ظرافت و مهارت بی‌مانندی سعی کرد تا با آثار آفرینشکار ابداعی خود، بر آن گنجینه عظیم، به قدر وسع خود - که وسعتی حیرت‌آور داشت - بیفزاید و سهم او در غنی کردن موسیقی ایرانی و شناساندن آن به معاصران در ایران و جهان، چندان گرانسنگ و والاست که بدیلی برای آن نه پیش از او و نه پس از او متصور است و این همت شورا‌آفرین او را در فرهنگ ایران جایگاهی یگانه و بی‌مانند بخشیده است.

بازخوانی شاهکارهای استادان پیشین، نوکردن اسلوب هنرمندان تراز اول تاریخ موسیقی، ارائه بموقع و مؤثر آثار تازه‌ای که در روح ملی بشدت و وسعت جذب می‌شود، توجه به موسیقی اقوام و بهره‌گیری از ظرفیت ظریف موسیقی و شعر قدیم و امروز ایران را به عنوان حافظ میراث ملی، هنرمند پیشرو و افق‌آفرین هنر آواز و موسیقی ایران بکه و ممتاز می‌کند. کمتر هنرمندی چون شجریان در زمان حیاتش قدردیده و محبوب خاص و عام شده است چرا که او جز دیدار شنیداری مدام با مردم و شادکردن دل آنها و غمگساری با رنج دیدگان زمانه، چنان که خودگفته، آرزویی برتر نیافته است.

## معجزه قرن دنیای موسیقی



بیژن کامکار  
خواننده و نوازنده پیشگوست دف

چه روزهای زیبا و دلنشینی بود، آن زمان به تازگی ازسندج به تهران آمده بودم و درگروه شیدا فعالیت داشتم و خاطراتی که درکنار

بزرگانی چون استاد محمدرضا شجریان و دیگر اعضای این گروه به ثبت رسید... شاید این جمله را بارها از من شنیده باشید اما باردیگرتاکید می‌کنم اگر امروز من را به عنوان هنرمندی می‌شناسند که ساز دف را به موسیقی ایرانی معرفی کرده است باید بگویم در شناساندن این ساز هیچ گاه نقش گروه شیدا و بزرگانی همچون محمدرضا لطفی و محمدرضا شجریان را فراموش نمی‌کنم، من در کنار این هنرمندان یک شبه ره صدساله طی کردم و توانستم درکنار ابر مرد آواز ایران به روی صحنه بیایم و ساز دف را به تمام ایران معرفی کنم و این اتفاق بزرگ را مدیون استاد محمدرضا شجریان هستم. همکاری و اجرای کنسرت در کنار آقای شجریان تنها درایران نبود بلکه کنسرت‌های بسیاری هم در خارج از ایران برگزار شد که هرگز فراموش نمی‌کنم، جوان‌هایی که با چشمان اشکبار به پشت صحنه آمدند و دست استاد را بوسیدند و گفتند: «ما مشب با موسیقی ایرانی آشتی کردیم و درک عظمت و شکوه این موسیقی با صدای شما به وجود آمده است.» خاطرات بسیارزیبایی از آن دوران به یادگار مانده است از مهر و محبت‌ها و همکاری و حمایت‌های بی‌دریغ‌شان نسبت به جوانان سخن بسیار است تا آنجا که حتی در یک دهه گذشته هم دست از فعالیت خود برنداشته و ۲۰ گروه از جوانان مستعد ایرانی را به موسیقی ایران معرفی کرد.

استاد شجریان علاوه برصدایی بسیار دلنشین و سونواریته بسیار زیبا درعرصه خوانندگی،

موسیقی آوازی ایران و تصنیف‌هایی که معنادار است. اساسا از شاخصه‌های مهم آثار شجریان همین انتخاب درست اشعار و وقت‌شناسی اوست. اشعار منتخب او معنا داشت و با مردم ایران ارتباط پیدا می‌کرد. با خواست‌ها، نیازها و گرفتاری‌ها و مشکلات ملت ارتباط پیدا می‌کرد. مردم ایران با استاد شجریان ارتباط می‌گرفتند چون حرف دل آنها را می‌خواند و همانطور که خودش گفت صدای آنها بود. تمام دردها، رنج‌ها، محرومیت‌ها و مشکلاتی که ملت ما طی قرون متمادی تجربه کرد در آواز شجریان منعکس می‌شد. از حافظ و سعدی تا شعرای معاصر همچون نیما، اخوان، ابتهاج، سیمین بهبهانی و ... همه برای مردم بود؛ برای عاشقان، برای آزادپنجاهان و برای داغ‌دیدگان. او بود که منزلت حافظ را به مردمی که به این گنجینه توجهی نداشتند تفهیم کرد. «مفلسانیم و هوای می و مطرب داریم» آه اگر خرقة پشمین به گرو نستانند» از همین روست که هوشنگ ابتهاج می‌گوید: «اگر حافظ بود او را غرق بوسه می‌کرد.» شجریان حق بزرگی به گردن ملت ایران دارد و البته که مردم ایران قدرشناس او هستند. مردمی که وقتی دردهای عجین شده با خون و پوست و گوشت‌شان را در صدای شجریان با آن صوت زیبا می‌شنیدند در دنیای دیگری سیر می‌کردند. از همین روست که حالا با رفتن شجریان همچون مرگ عزیزی از خویشان، این گونه دادلر غم بزرگی هستند.

این هنرمند است چنانکه مردم هم او را عاشقانه دوست می‌دارند. آوازا و ترانه‌های شجریان در اذهان مردم ایران جاودانه است و نام و خاطرات او هیچگاه فراموش نخواهد شد. بهیاد دارم در دوره‌ای که ریاست شورای عالی خانه موسیقی بر عهده آقای شجریان بود هر از چندگاهی او را در خانه می‌دیدم و از مصاحبت با ایشان بسیار لذت می‌بردم. درگذشت استاد شجریان ضایعه بسیار بسیار تأسف بار علاوه بر حفظ و حراست از فرهنگ و هنر ایران است و فقدان ایشان را از طرف خانواده کامکارها به خانواده داغدار آقای شجریان و همچنین مردم ایران که او را عاشقانه دوست می‌دارند تسلیت می‌گویم.

آواز استاد شجریان می‌شوم، اما اندکی با شعر و ادب فارسی مانوسم و عمری را صرف آموختن و آموختن شعر و ادب کرده‌ام و می‌دانم که شعر و ادب ما با موسیقی مان چون روح و جسم به هم آمیخته‌اند و می‌دانم که موسیقی - که زبانی جهانی دارد- همواره در طول تاریخ برترین و مؤثرترین شناساننده شعر و ادب فارسی و سرانجام برترین و مؤثرترین شناساننده فرهنگ ایران در جهان بوده است. با این مقدمه اکنون می‌پرسم: کیست که نداند استاد شجریان در روزگار ما بزرگ‌ترین و موفق‌ترین شخصیت موسیقایی بود که با صدای ملکوتی خود، گذشته از آنکه بسیاری از جوانان را به میراث ادبی‌شان علاقه‌مند ساخت، پیام‌های انسانی فرهنگ و ادب ایران را به گوش جهان و جهانیان رساند و ایران و فرهنگ انسانی کم‌مانندش را به مردم جهان شناساند. مرگ او جوان مرگ تمام خدمتگزاران فرهنگ این مرز و بوم مردم را نگران می‌سازد و اندوهی ژرف بر دلشان می‌نشاند که می‌توان از آن به «اندوه از دست‌دادگی» تعبیر کرد؛ اندوهی وجود مرا آکنده ساخته و مرا برمی‌انگیزد تا این بیت زنده‌یاد دکتر فخرالدین مزارعی را، که زبان حال من است - بر زبان رانم:

حالی که در ضمیر من آشوب می‌کند  
احساس گریه‌آور از دست‌دادگی است  
و آرزو کنم که شاگردان استاد شجریان، که از جمله آنها فرزند برومند و هنرمندشان است، راه استاد را ادامه دهند و کار بزرگ ترویج و انتقال فرهنگ ارجمند ایران را از طریق موسیقی به پیش ببرند که این، خواست مام میهن است.... ایدون باد!

ماند و خصلت‌های انسانی‌اش بسیار بود و همیشه کنار مردم ایستاد و از این کنار مردم بودن و هزینه‌هایش نترسید. هر بار که او را دیدم ادای احترام کردم و او از ادب چیزی کم نمی‌گذاشت و حیفاً می‌آید کسی مثل او دیگر نیست و بیشتر برای خودمان اندوهگین هستیم که دیگر او را نداریم و چنین شکوهی دیگر برای ما نخواهد خواند اما خواهد بود و ماند. شجریان در ناگوارترین شرایط نگذاشت موسیقی اصیل ایرانی به سمت و سوهای نامربوط برود و شبیه رنگین‌کمانی بود که آفتاب و باران او را به زیباترین شکل ممکن متجلی کرده بودند.

## خاطر دم دستخوش زیر و بم زمزمه‌ای است



علی نصیریان  
بازیگر

محمدرضا شجریان نابغه بود. بدون هیچ اغراق و پرگوئی، صدای آسمانی زیبا و خداداد او استثنایی بود اما نکته اینجاست که او این استعداد را به هدر نداد و به بهترین شکل از آن استفاده کرد. رنج کشید و تمرین کرد تا این استعداد پرورش پیدا کند. در مکتب بهترین اساتید از عبدالله دومی و اسامعیل مهرتاش تا نورعلی برومند و فرامرز پایور شاگردی کرد. یادگیری و نزد استاد رفتن یک مقوله است و خودآموزی و تمرین و ممارست مقوله دیگری. فارغ از استعداد ذاتی، آنچه شجریان را نخبه کرد روح جست‌وجوگر او بود. پژوهش کرد تا ببیند چه تحریر و چه گوشه‌ای باید به چه نحو اجرا شود که زیباتر و مطلوب‌تر باشد. گوشه‌های مهجور و دور افتاده را پیگیری کرد، سبک کاری پیشینیان را مطالعه کرد، به فوت و فن و تحریرهای آنها مسلط شد و در عین حال به سبک و سیاق درخشان خودش رسید. در واقع علاوه بر نبوغ درک و دریافت موسیقی، مهارتی در کشف راه‌های تازه داشت. برای کامل‌تر شدن ارکسترهای ایرانی و سنتی ساز را ابداع کرد. ابتکار داشت و از حاصل پژوهش و تحقیق شرکدهای گذشتگان، سبک و سیاق خودش را ساخت که ماحصل آن مجموعه‌ای است از کارهای بسیار درخشان در زمینه

## میراث‌دار فرهنگ و هنر ایران



هوشنگ کامکار  
آهنگساز و سربرسرست گروه کامکارها

موسیقی آوازی و سنتی ایران مدیون استاد شجریان است، هنرمند بزرگی که نامش در تاریخ فرهنگ و هنر و موسیقی ایران به ثبت رسیده است. این هنرمند بزرگ علاوه بر حفظ و حراست از موسیقی ایران، با تربیت شاگردان خوب تلاش کرد این میراث گرانقدر فراموش نشود و از بین نرود. شاگردانی که امروز هر یک معلمانی شناخته شده در عرصه موسیقی هستند. از دیگر شاخصه‌های استاد شجریان مردمی بودن

## مرگ می‌آید و تدبیری نیست



اسغر دادبه  
پژوهشگر و استاد فلسفه اسلامی و ادبیات عرفانی

بگذار تا بگرم چون ابر در بهاران / کز سنگ ناله خیزد روز داغ باران استاد شجریان درگذشت که «مرگ می‌آید و تدبیری نیست» و برای بزرگ‌ترین بزرگان دانش هم «هریند گشاده شد مگر بند اجل». آدمی هم در برابر این بند ناگشودنی گریزی ندارد جز اندوه خوردن و گریستن. این حکم عاطفه است که اجرا می‌شود، ورنه به حکم خرد آنچه ناگزیر است ناگزیر است و اندوه خوردن و گریستن را سودی نیست، اما آدمی تنها خرد نیست جهانی‌اش عاطفه و شور هم هست که اگر نبود و کوه خرد هم می‌بود زندگی‌اش نه معنا داشت، نه قابل تحمل بود. عاطفه خاستگاه هنر است و هنر سترگ ایران زمین شعر و ادب است؛ هنری که از یک سو بزرگانی چون فردوسی و نظامی و مولوی و سعدی و حافظ را به جهان هنر تقدیم کرده است و از سوی دیگر این بزرگان آثاری جاودانی پدید آورده‌اند که هویت و کیان ماست. بیندیشیم که اگر بزرگانی چون فردوسی و ..... حافظ نبودند و آثاری که پدید آورده‌اند پدید نیارده بودند ما چه بودیم؟ آثار این بزرگان است که ما را «ما» ساخته و در این جهان پراشوب سرفرازمان داشته و بزرگانی چون «گوته» را به تحسین واداشته است. من موسیقیدان نیستم و چونان دیگر مردم فارسی‌زبان از موسیقی سنتی برآمده از فرهنگ ایران - ایران فرهنگی - لذت می‌برم و مسحور

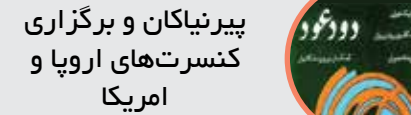
## ملکوت در صدایش بود



رضا بابک  
بازیگر

آن روزگار که سیاوش بیدگانی می‌خواند و رادیو پخش می‌کرد می‌رفتم و از هر جا شده (چون پدر من مذهبی بود و رادیو نداشتیم) صدایش را می‌شنیدم. بی‌تظیر بود و اعجاب‌آور از شکوهی که این صدا و نفس و حنجره داشت. بعدتر جشن هنر شیراز و بر آرمگاه حضرت حافظ پای اجرایش با مرحوم لطفی نشستم و واقعا ملکوت در صدایش بود. مرد بزرگی بود و بزرگ خواهد

## همکاری با داریوش پیرنیاکان و برگزاری کنسرت‌های اروپا و امریکا



۱۳۷۰

## انتشار آلبوم در استان جاناتان



۱۳۶۴

## انتشار آلبوم دود عود



۱۳۶۸

## انتشار آلبوم دود عود



۱۳۶۸

## انتشار آلبوم دود عود



۱۳۶۸

## انتشار آلبوم دود عود



۱۳۶۸

## انتشار آلبوم دود عود



۱۳۶۸

## انتشار آلبوم دود عود



۱۳۶۸

## انتشار آلبوم دود عود



۱۳۶۸

## انتشار آلبوم دود عود



۱۳۶۸

## انتشار آلبوم دود عود



۱۳۶۸

## انتشار آلبوم دود عود



۱۳۶۸

## انتشار آلبوم دود عود



۱۳۶۸

## انتشار آلبوم دود عود



۱۳۶۸

## انتشار آلبوم دود عود



۱۳۶۸

## انتشار آلبوم دود عود



۱۳۶۸

## انتشار آلبوم دود عود



۱۳۶۸

## انتشار آلبوم دود عود



۱۳۶۸

## انتشار آلبوم دود عود



۱۳۶۸

## انتشار آلبوم دود عود



۱۳۶۸

## انتشار آلبوم دود عود



۱۳۶۸

## انتشار آلبوم دود عود



۱۳۶۸

## انتشار آلبوم دود عود



۱۳۶۸

## انتشار آلبوم دود عود



۱۳۶۸

## انتشار آلبوم دود عود



۱۳۶۸

## انتشار آلبوم دود عود



۱۳۶۸

## انتشار آلبوم دود عود



۱۳۶۸

## انتشار آلبوم دود عود



۱۳۶۸

## انتشار آلبوم دود عود



۱۳۶۸

## انتشار آلبوم دود عود



۱۳۶۸

## انتشار آلبوم دود عود



۱۳۶۸

## انتشار آلبوم دود عود



۱۳۶۸

## انتشار آلبوم دود عود



۱۳۶۸

## انتشار آلبوم دود عود



۱۳۶۸

## انتشار آلبوم دود عود



۱۳۶۸

## انتشار آلبوم دود عود



۱۳۶۸

## انتشار آلبوم دود عود



۱۳۶۸

## انتشار آلبوم دود عود



۱۳۶۸

## انتشار آلبوم دود عود



۱۳۶۸

## انتشار آلبوم دود عود



۱۳۶۸

## انتشار آلبوم دود عود



۱۳۶۸

## انتشار آلبوم دود عود



۱۳۶۸

## انتشار آلبوم دود عود



۱۳۶۸

## انتشار آلبوم دود عود



۱۳۶۸

## انتشار آلبوم دود عود



۱۳۶۸

## انتشار آلبوم دود عود



۱۳۶۸

## انتشار آلبوم دود عود



۱۳۶۸

## انتشار آلبوم دود عود



۱۳۶۸

## انتشار آلبوم دود عود



۱۳۶۸

## انتشار آلبوم دود عود



۱۳۶۸

## انتشار آلبوم دود عود



۱۳۶۸

## انتشار آلبوم دود عود